

عناصر نمایش در قرآن

○ عناصر نمایش در قرآن
○ سید مهدی حاجی میرصادقی
○ کارشناسی ارشد پژوهش هنر دانشگاه
تهران - دانشکده هنرهای زیبا، ۷۶ - ۱۳۷۵

این پژوهش که در ۲۹۷ صفحه، دوبخش، هفت فصل، کتابنامه و واژه‌نامه به نگارش درآمده سعی در بررسی کلام خداوند با دیدگاهی متفاوت دارد. تجزیه و تحلیل متن این کتاب الهی در حوزه هنرهای دراماتیک، با توجه به اصول و معیارهای این هنرها منجر به یافتن جلوه‌های دراماتیک در قرآن، متناسب با میزان دانش و شناخت نگارنده گردیده است. این پژوهش دو حوزه هنرهای دراماتیک و معارف اسلامی را به هم پیوند می‌دهد و بر تعریف کلی و اصول درام تأکید می‌کند. در سرآغاز، نویسنده انگیزه انتخاب این موضوع را شایستگی خود به کتاب مقدس الهی، داشتن آشنایی و زمینه‌ی قبلی در این باب و علاقمندی خود به درام و ادبیات دراماتیک عنوان کرده است.

همچنین در دیباچه این رساله آمده است: «قرآن، کتاب مقدس، در مسیر قرون و اعصار، همچنان خورشیدی جهان‌افروز بر پهنه‌ی زندگی بشر می‌تابد و بر خردمندان راه می‌نمایاند. این معجزه پایدار پیامبر اسلام(ص)، از بدو نزول تاکنون محور عنایت و توجه دوستان و دشمنان آن بوده است. دوستداران و پیروان آن همیشه با تحسین و تجمید و دشمنان آن با رشک و حسد بدان نگریسته‌اند. این کتاب مقدس تاکنون علاوه بر جنبه‌ی هدایت و روشنگری برای بشریت که اساس و سبب نزول آن است، از نظر ادبی، فلسفی، فقهی، حقوقی، تاریخی، علمی و هنری توسط صاحب‌نظران در هر رشته مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با این بررسی‌ها، چهره‌های گوناگون این کتاب برای مخاطبان آن آشکار گردیده و افق‌های جدیدی در پیش چشم آنان گشوده شده است.»

در این رساله از بین داستان‌های قرآن، داستان حضرت یوسف(ع) برای تجزیه و تحلیل

دراماتیک انتخاب شده است؛ زیرا: خداوند این داستان را در آیه سوم همین سوره، «احسن القصص» یا «بهترین سرگذشت» نامیده است. این سرگذشت تنها داستان کامل قرآن است که در یک سوره جمع شده و دارای آغاز و پایان دراماتیک می‌باشد.

بخش اول، سه فصل را به خود اختصاص داده که در فصل اول، سوره یوسف به طور کامل از قرآن کریم نسخه‌برداری شده و در فصل دوم ترجمه فارسی این سوره نقل گردیده است.

فصل سوم نیز براساس متن داستان یک درام صحنه‌بندی شده است. درام نوشته شده مبتنی بر افسانه نیست بلکه اقتباسی از یک واقعیت و گزارشی از یک حادثه تاریخی است. متن داستان و درام هیچ تغییری نسبت به اصل واقعه نکرده است، اما آنچه اهمیت داشته قابلیت‌های خود واقعه و جلوه‌های دراماتیک در میان گزارش واقعیت است. اصل داستان متعلق به کتابی مقدس و الهی است که برای رستگاری بشریت فرستاده شده و این نوشته نیز تنها تلاشی جستجوگرانه است تا جلوه‌هایی دراماتیک را از متن بیابد.

در این پژوهش شیوه بررسی و پی‌گیری هدف، یک شیوه‌ی استقرایی (استدلالی) است که در آن ذهن از قضایای جزئی به نتیجه کلی می‌رسد) است و نگارنده هرگز در پی اثبات یک فرض از پیش تعیین شده نیست، بلکه جستجو برای گردآوری شواهد از موضوع مورد نظر در میان متن قرآن است.

در فصل چهارم ابتدا خصوصیات حضرت یوسف (ع) بیان شده و هدف نهایی نیز رسیدن شخص اول درام به رستگاری، آلوده نشدن به ناپاکی‌های زندگی و رسیدن به مقام شایسته پیامبری است که در این راه سخت‌ترین موانع و آزمایش‌ها پشت سر گذاشته می‌شود. قسمت‌های دیگر این فصل به نقش اشخاص دیگر درام پرداخته و توضیحاتی داده است.

فصل پنجم به موضوع «حرکت» می‌پردازد و توضیح داده می‌شود که حرکت که امری مکانیکی است، به صورت واسطه‌ای عینی، بین دو پدیده‌ی ذهنی عمل می‌کند. از یک طرف ذهنیات شخص درام را برملا می‌سازد و دیگر آنکه از طریق تجسم بخشیدن به ذهنیات این شخص و ایجاد ارتباط با تماشاگر، در ذهن او رسوخ می‌کند و بر اندوخته‌های ذهنی‌اش اثر می‌گذارد، و گرایش‌های نو در او پدید می‌آورد و در نهایت رفتارش را دگرگون می‌سازد.

همچنین «حرکت» به اعتبار نقشی که در القای مفاهیم دراماتیک و تجلی جلوه‌های نمایشی یک اثر دراماتیک بر عهده دارد در قالب «اعمال

دراماتیک» و «اعمال فنی» تعریف و «حرکات مهم و حرکات بی‌اهمیت» توضیح داده می‌شود.